

مروری بر پاره‌ای از مستندات قرآنی قاعده «لا ضرر»

«قاعده الضرر»، عنوان کتابی است که سیدمرتضی سجادی از تقریر دروس آیت‌الله هادی نجفی به رشته تحریر درآورده و به همت انتشارات چتر دانش به منتشر شده است.



«قاعده الضرر»، عنوان کتابی است که سیدمرتضی سجادی از تقریر دروس آیت‌الله هادی نجفی به رشته تحریر درآورده و به همت انتشارات چتر دانش به منتشر شده است.

به گزارش اینکنا، در مقدمه این کتاب آمده است: «قاعده لاضرر از جمله قواعد فقهیه ای است که مختص به یک باب از ابواب فقه نیست و از باب طهارت تا آخر باب دیات جاری می شود و به همین جهت، شایسته است که به دقت مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

قبل از اینکه به بحث و بررسی این قاعده بپردازیم، لازم است چند مطلب را به عنوان مقدمه در مورد این قاعده متذکر شویم؛ اول: اهمیت و جایگاه قاعده لاضرر در استنباط احکام شرعی است. شهید اول این قاعده را جزء قواعد پنج گانه ای ذکر کرده است که امکان دارد احکام شرعی به آنها بازگردد. ابی طاهر دیباس از فقهاء حنفیه آن را جزء قواعد فقهیه ای ذکر می کند که همه فقه حنفیه از آن استنباط می شود. قاضی حسین از فقهای مذهب شافعی آن را از قواعد چهارگانه یا پنج گانه ای می داند که تمام مذهب فقهی شافعی از آن استنباط می شود.

دوم، منصوص بودن قاعده لاضرر است. این قاعده، قاعده ای منصوص است؛ یعنی قاعده لاضرر در متون روایات شیعی و سنی با تعبیر مختلف ذکر شده است، از جمله «لاضرر و لاضرار»، «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام» و «لا ضرر و لا ضرار علی مومن».

سوم، سیر تاریخی قاعده لا ضرر است. این قاعده از قدیم الایام از زمان شیخ صدوق (ع) تا زمان حال؛ یعنی یک دوره زمانی هزارساله در اختیار فقها بوده و مطابق آن فتوی داده اند؛ اما اولین کسی که از فقهای شیعه قاعده لا ضرر را مستقلاً بحث کرده است، شهید اول در کتاب القواعد و الفوائد بوده است.

چهارم، تعبیری است که از قاعده لا ضرر شده است. تعبیرهایی که از این قاعده شده، مختلف است؛ از جمله «قاعده لا ضرر و لا ضرار»، «قاعده لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام»، «قاعده نفی الضرر»، «قاعده نفی الضرر و الضرار»، «قاعده الضرر لا یزال بالضرر»، «قاعده الضرر لایزال بمنله»، «قاعده الضرر و الضرار»، «قاعده لا ضرر و لا ضرار فی الشرع» یا «فی الدین» یا «فی الشریعة»، «قاعده عدم الضرر»، «قاعده الضرار»، «قاعده الضرر الاشد یزال بالاخف» و «قاعده الضرر یزال» مستند قاعده لا ضرر در قرآن

نویسنده سپس به مستند قاعده لا ضرر در قرآن پرداخته و آورده است: «اول، قرآن کریم است. ابتدا به بررسی آیاتی می پردازیم که می توان برای قاعده لاضرر به آن استناد کرد. آیه اول: «وَإِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ قَبْلَ أَنْ أَجْلِهِنَّ قَامَسِيكوهنَّ يَمَعْرُوفٍ أَوْ سَرَخُوهِنَّ يَمَعْرُوفٍ وَلَا تُمَسِّكُوهِنَّ ضِرَارًا لَتَعْتَدُوا وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ وَلَا تَتَّخِذُوا آيَاتِ اللَّهِ هُزُوًا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَمَا أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِنَ الْكِتَابِ وَالْحِكْمَةِ بِهِنَّ وَأَتَّقُوا اللَّهَ وَعَلِمُوا أَنَّ اللَّهَ يَكُلُّ شَيْءٍ عَلِيمٌ؛ و هنگامی که زنان را طلاق دادید و به بیان عده خود نزدیک شدند آنان را «با رجوع کردن» به طور شایسته و متعارف نگه دارید یا «با ترک رجوع» به نیکی و خوشی رها کنید و آنان را برای آزار رساندن و زیان زدن نگه ندارید تا بر آنان تعدی و ستم کنید و هرکه چنین کند قطعاً به خود ستم کرده است».

برای روشن شدن آیه، روایاتی را که ذیل این آیه وارد شده است، می آوریم: «و باسناده عن المفضل بن صالح عن الحلبي عن ابي عبدالله (ع) قال: سالته عن قول الله «لا تمسكوهن ضراراً لتعتدوا»، قال الرجل يطلق حتى اذا كادت ان يخلو اجلها راجعها ثم يطلقها يفعل ذلك ثلاث مرات فنهى الله عن ذلك». مرسله حلبی (در تفسیر عیاشی): از امام صادق (ع) سوال کردم در مورد قول خداوند «و لا تمسكوهن ضرارا لتعتدوا»، فرمودند مردی (به جهت اضرار به همسر) طلاق می دهد زنش را و وقتی روزهای آخر عده زن است، دوباره رجوع می کند. بعد از مدتی دوباره طلاق می دهد، دوباره او را رجوع می کند و دوباره طلاق می دهد تا سه مرتبه و خداوند از این کار نهی کرده است. و روایت سوم همین باب «و عن زراره و حمران ابني اعين ...» به همین مضمون است

معنای آیه اینکه «هنگامی که زنان را طلاق دادید و به پایان عده خود نزدیک شدند آنان را با رجوع کردن به طور شایسته نگه دارید یا با ترک رجوع به نیکی و خوشی رها کنید و آنان را برای آزار رساندن و زیان زدن نگه ندارید تا بر آنان تعدی و ستم کنید» و با توجه

به روایت، قبل از اینکه عده زن تمام شود، مرد به قصد اذیت و آزار به همسر دوباره به او رجوع می کند و دوباره او را طلاق می دهد و دوباره رجوع می کند، خداوند مرد را از این کار نهی کرده است؛ چون باعث اضرار به همسر می شود.

استدلال به آیه نیز به این صورت است که این آیه در مورد خاص وارد شده است که در مورد قضیه رجوع در عده نکاح است به قصد اذیت و آزار همسر که اگر بخواهد این رجوع را انجام دهد، گرفتار معصیت شده است. حال آیا می شود از این قضیه یک قاعده کلی در همه ابواب فقه استفاده کنیم؟ فقها چنین استفاده ای نکرده اند.

اما اگر بگوییم ضرری که در این آیه نفی شده یکی از مصادیق لاضرر است و در آیه شریفه قاعده لاضرر را تطبیق کرده است، به این بیان که سخت گیری بر زوجه برای اضرار به او مصادق است، برای عدوانی که حرام است و نهی شده و هر کاری که مصادق اضرار و عدوان قرار گیرد، از ناحیه شارع نهی عنه است.

آیه دوم، آیه ۲۳۳ سوره بقره است: «لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَالِدِهِ؛ نباید مادری به خاطر فرزندش زیان ببندد و نه پدری برای فرزندش دچار ضرر شود (بر پدر است که مخارج مادر و کودک را در حد متعارف پردازد و بر مادر است که بیش از طاقت مالی شوهر از شوهر طلب خوراک و پوشاک نکند). روایاتی که ذیل این آیه وارد شده، از این قرار است: صحیحۃ ابی الصباح کنانی عن ابی عبدالله(ع) قال كانت المراضع ممن يدفع احداهن الرجل اذا اراد الجماع فتقول: لا ادعك انی اخاف ان احبل فاقتل ... ؛ امام صادق(ع) می فرماید: زنی که بچه شیر می دهد اگر مرد از او تقاضای جماع کند اما زن به تقاضای مرد پاسخ ندهد و بگوید می ترسم از تو حامله شوم و یا زن تقاضای جماع می کند و مرد به زن می گوید ترس آن دارم که از من حامله شوی و فرزند خودم را بکشم، پس خداوند نهی کرد از اینکه مرد سبب زیان زن یا زن سبب زیان مرد شود.

معنای آیه با توجه به روایت این چنین است: مادر به واسطه فرزندش مورد ضرر واقع نمی شود و همچنین پدر به خاطر فرزندش مورد ضرر واقع نمی شود. به بیان دیگر زن می ترسد از جماع با شوهرش به خاطر خشک شدن شیرش و مرگ فرزندش چون احتمال می دهد دوباره بچه دار شود و شوهر می ترسد از جماع با همسرش به جهت اینکه ممکن است از او حامله شود و فرزندش ضرر وارد شود، پس خداوند نهی کرده است از این ضرری که به واسطه ترک جماع متوجه زن یا مرد شده است».